

بازتاب انقلاب اسلامی، براساس نظریه نظام نوری شیخ اشراق^۱

منوچهر محمدی*

حسین خدادادی**

چکیده

بازتاب انقلاب اسلامی در جوامع مختلف، امری ظاهر و آشکار است که نیاز به اثبات ندارد و اندک کنکاش در جوامع مختلف، ما را به کشف و شهود این بازتاب رهنمون می‌کند. درباره بازتاب انقلاب، نظرات مختلفی ارائه شده است که بر مبنای تفکرات غربی است و با هستی‌شناسی اسلامی سازگار نیست و رویکرد جامعی را در این باب عرضه نمی‌دارد که در این مقاله به نقد و تبیین این نظریات پرداخته‌ایم. نظام نوری شیخ اشراق ساختار متناسبی برای نظریه بازتاب دارد. بنابراین تلاش شد بر مبنای ویژگی‌های نور در هستی‌شناسی او به بررسی نظام ایجاد شده پس از انقلاب اسلامی در ایران و تشابه این دو نظام بپردازیم. براساس این تشابه نظریه‌پردازی در مورد بازتاب انقلاب اسلامی تبیین می‌گردد. سپس به دو ویژگی مهم انقلاب اسلامی، یعنی انقلاب بر پایه ایدئولوژی دینی و استکبارستیزی اشاره کرده‌ایم. در بخش بعد به ویژگی‌های نور و بازتاب انقلاب اسلامی اشاره می‌شود که عبارتند از: مبدأ فراگیر، پویایی، عدم حصر جغرافیایی و عدم حصر زمانی.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، نظام نوری، نور، بازتاب.

۱. شیخ شهاب‌الدین سهروردی معروف به شیخ اشراق چهره برجسته‌ای در حکمت، فلسفه و عرفان در فرهنگ ایران و پس از مشائیان است. او در سال ۵۴۹ ق در قریه سهرورد زنجان دیده به جهان گشود.

*. استاد دانشگاه و مدیر گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. prof.mohammadi@yahoo.com

hussynkh58@gmail.com

** دانشجوی دکتری فلسفه دین، دانشگاه پیام نور.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۸

طرح مسئله

پیروزی انقلاب اسلامی چون شعاع نوری موجب روشنی و احیای افکار و اندیشه‌های اسلامی و ایده ضد سلطه در سراسر جهان و موجب افزایش روحیه و تقویت بنیادهای فکری گردید. اکنون با گذشت حدود چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و متعاقب آن تحولات و دگرگونی‌های عظیم در نظام جهانی، زمان آن رسیده تا با دیدی واقع‌بینانه و بدون افراط و تفریط و بر پایه نظریه‌پردازی هستی‌شناسانه و تفکر جامعه‌شناختی و براساس معرفت‌شناسی فلسفی به بررسی بازتاب و تأثیرات انقلاب اسلامی بپردازیم.

درباره بازتاب انقلاب، نظریات مختلفی ارائه شده است که غالباً براساس تفکرات غربی شکل گرفته است و سازگاری جامع و متناسبی با انقلاب اسلامی ندارد و از نظر مبنایی فاصله زیادی با حقیقت بازتاب انقلاب اسلامی - با ماهیت و هویتی دینی - دارد. نظریاتی که صرفاً براساس نگاه لیبرالی، سکولاری و اومانستی شکل گرفته است و دین و مبانی دینی در آن دخالت ندارد و یا به‌عنوان عنصری در عرض عوامل دیگر انگاشته شده است. تئوری‌هایی مثل؛ تئوری دومینو، نظریه پخش، نظریه سازه‌نگاری، نظریه فراکتال و ... که در ادامه به نقد این نظریات می‌پردازیم.

نقد نظریات بازتاب

بازتاب انقلاب اسلامی در جوامع مختلف، امری ظاهر و آشکار است که نیاز به اثبات ندارد و اندک کنکاش در جوامع مختلف، ما را به کشف و شهود این بازتاب رهنمون خواهد کرد. درباره بازتاب انقلاب، نظرات مختلفی ارائه شده است که غالباً بر مبنای تفکرات و نظریات غربی است و با هستی‌شناسی اسلامی سازگار نبوده و رویکرد جامعی در این باب عرضه نمی‌دارد.

نظریه پخش: نظریه پخش در سال ۱۹۳۵ از سوی هاگراسترنز، جغرافیدان سوئدی، ابداع و عرضه شد. از دیدگاه استراند از شش اصل به‌عنوان اصول و مؤلفه‌های اساسی این نظریه می‌توان نام برد: ۱. مبدأ پخش ۲. مسیر حرکت پدیده ۳. زمان پخش ۴. موضوع یا پدیده پخش ۵. حوزه و محیط اولیه پدیده ۶. مقصد پخش.

این نظریه مدعی است، قدرت تبیین و توضیح هرگونه نوآوری فکری یا فیزیکی را دارد و هم علت اشاعه، نحوه گسترش و مسیرها و مجاری پخش آن، و هم علل توقف آن و علل گسترش مجدد آن و نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می‌دهد. در چارچوب این نظریه این‌طور استدلال می‌گردد که، با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، کشورهای هم‌جوار و منطقه خاورمیانه و جهان اسلام به‌طور خاص، و جهان به‌طور عام، تحت تأثیر عظمت این رخداد و پیام‌های جهانی و منطقه‌ای آن قرار گرفت.

انقلاب اسلامی، کانون پخش و تراوش در منطقه شد. نقش موقعیت استراتژیک کشور مبدأ، در شدت پخش آن بسیار مهم است. آنچه از حیث «مسافت یا مکان» در این نظریه، گفتنی است، این است که هرچه

فاصله کشورهای مقصد از ایران به‌عنوان مرکز پخش بیشتر باشد، به همان قیاس از میزان پذیرش نوآوری فرهنگی آن کاسته می‌شود. ابداعات به‌طور عمیق‌تر و وسیع‌تر در نزدیک‌ترین نقطه به مبدأ، پذیرفته می‌شوند و با دور شدن از آن کاهش می‌یابند.

در نقد این نظریه می‌توان گفت؛ نظریه پخش، عنصر جغرافیایی را ملاک بازتاب قرار داده است که با واقعیت بازتاب انقلاب اسلامی نمی‌خواند، زیرا اولین جایی که انقلاب اسلامی در آنجا تأثیر گذاشت، با وجود بعد مسافت، در لبنان بود و باگذشت چندین دهه از وقوع انقلاب، شاهد بازتاب آن در نیجریه علی‌رغم بعد مسافتی آن هستیم. همچنین طبق این نظر، بازتاب منحصر به جهان اسلام می‌شود و در بقیه جوامع بی‌تأثیر می‌ماند.

نظریه فراکتال‌های انقلاب (اِبرشکسته)

مفهوم فراکتال‌ها به وسیله مندل بروت ۱۹۶۷ معرفی شد. ریشه لغت‌شناسانه اصطلاح «فراکتال» در واژه لاتین «اِبرشکسته»^۱ قرار دارد که به معنی شکسته، قطعه قطعه شده، شکافته شده، منفصل، یا بی‌نظمی است و با بعد غیر صحیح منظره‌های ناهموار و پراکنده در ارتباط است. فراکتال تشریح‌کننده وضعیتی است که در آن بخش‌های منحصر به فرد، مشابه با شکل کلی یک پدیده ایجاد می‌شوند.

براساس رویکرد فراکتال و به منظور ایجاد انقلاب‌های فراکتال، فرهنگ و ارزش‌ها دارای اهمیتی حیاتی هستند. چراکه براساس نظریه فراکتال، و تعریف فراکتال به‌عنوان شاخه شاخه شدن مستمر پویا، ویژگی‌ها و شایستگی‌های موجودیت اصلی می‌تواند به موجودیت‌های مرتبط به آن انتقال و انتشار یابد. درواقع، خصیصه‌های انقلاب به‌طور وراثتی به انقلاب‌های فراکتال انتقال می‌یابد. انقلاب‌های فراکتال و فراکتال‌های انقلاب اسلامی به‌صورت مجموعه‌های مستقل ایجاد می‌شوند. اما از لحاظ ایدئولوژیک، فرهنگ، باورها و سبک‌های مدیریتی و رهبری، و شیوه‌های حکومت‌داری شبیه به انقلاب اصلی هستند و حامل ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی هستند. درواقع، انقلاب‌های فراکتال تصویر کوچک شده‌ای^۲ از انقلابی هستند که از آن الگوبرداری کرده‌اند یا از آن مشتق شده‌اند.

در این نظریه، نه مسئله بازتاب، بلکه انتقال انقلاب به انقلاب‌های دیگر و الگوبرداری از آن مطرح است. اگرچه عنصر جغرافیایی را مطرح نمی‌کند، ولیکن اثرات انقلاب صرفاً به جوامع دارای زمینه و ارزش‌های مشترک اسلامی می‌داند. همچنین با وجود گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی، هنوز در عمل، انقلاب دیگری براساس نظریه فراکتال رخ نداده است.

1. Fractus.
2. Miniature image.

نظریه سازه‌انگاری

یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی که از نظر نگرش تلفیقی دفاع می‌کنند، و در این نظریه‌ها ضمن توجه به عوامل مادی بر نقش و اهمیت مؤلفه‌های معناگرایانه نیز تأکید شده است، رهیافت سازه است. این رهیافت که از اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد مباحث روابط بین‌الملل شد، ریشه در مسئله جامعه‌انگاری است که در دهه ۱۹۷۰ از سوی پیتر برگر و توماس لاکمن مطرح شد. فردریک کراتوچل^۱، نیکلاس اونف^۲ و الکساندر ونت^۳ متفکران اصلی این دیدگاه در روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند. (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۲: ۵۶۴)

از منظر سازه‌انگاری هویت، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست خارجی کشورها بازی می‌کنند. تصمیم‌گیرندگان براساس هنجارها و قواعدی که خود مبتنی بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی تجربه تاریخی، هویت، فرهنگ و حضور در نهادهاست تصمیم‌گیری می‌کنند. آنچه در میان عوامل غیرمادی برای تحت تأثیر قرار دادن سیاست خارجی بیشتر مورد توجه سازه‌انگاران قرار گرفته مسئله هویت است. زبان، قبیله و دین از عناصر مهم هویتی ملت‌های غرب و جنوب غرب آسیا به‌شمار می‌روند و در این منطقه ارتباط مذهب و سیاست بیشتر از نقاط دیگر مشاهده می‌شود. یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده سیاست داخلی و خارجی کشورهای منطقه همان هویت دینی است. جدایی دین از دولت همان‌گونه که در غرب رخ داد در این منطقه ایجاد نشد و حاکمان منطقه داعیه رهبری داشتند.

در نظریه سازه‌انگاری، اگرچه برای عناصر دینی و فرهنگی، جایگاه ویژه‌ای تعریف شده است، در عین حال به آن نقش برجسته و اساسی در بروز انقلاب‌ها نمی‌دهد و در نتیجه عنصر مذهب را یکی از عوامل ایجاد انقلاب در کنار سایر عوامل می‌بیند.

تئوری دومینو

تئوری دومینو به ویلیام بولیت (۱۹۴۷) باز می‌گردد. وی سفیر ایالات متحده آمریکا در مسکو بود که ترس و هراس از ایجاد کمونیسم یکپارچه که از روسیه نشئت گرفته و تمامی دنیا را از طریق چین و جنوب شرقی آسیا احاطه نموده را اظهار نمود.

دومینو در واقع سقوط رشته‌ای از دومینوهاست که در وضعیتی آرام، ناپایدار و متقارن قرار گرفته‌اند و به عکس‌العمل آنها و به آشفتگی موجود بستگی دارد. انرژی و پتانسیل به واسطه قرار گرفتن هریک از مهره‌ها بر روی زمین از قسمت تحتانی تقسیم شده و هریک از مهره‌ها به‌گونه‌ای قرار گرفته‌اند که در هنگام سقوط به مهره بعدی برخورد می‌نمایند.

1. Feredrich kratochwil.
2. Nicolas ounef.
3. Alexandre wendt.

یکی از تصورات و ذهنیات غلطی که در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی بر علاقه‌مندان و حتی مخالفین انقلاب در داخل و خارج حاکم بوده اینکه براساس تئوری دومینو با پیروزی انقلاب اسلامی دولت‌های حاکم بر جوامع اسلامی در اثر الگوبرداری آن جوامع و قیام مردمی یکی پس از دیگری سقوط کرده و نظام‌های مشابهی بر سایر کشورهای اسلامی حاکم خواهد شد. درحالی‌که اگر لحظه‌ای در شرایط ویژه تاریخی - سیاسی ایران و تفاوت آن با سایر جوامع اسلامی درنگ می‌کردند، متوجه این ذهنیت نادرست می‌شدند، زیرا که یک انقلاب تمام عیار مانند انقلاب اسلامی در ایران نه تنها از نظر تئوریک بلکه از نظر واقعی سازوکارهای مناسب خود را می‌طلبد.

همان‌طور که ملاحظه شد، نظریات غربی، به صورت جامع، دربرگیرنده بازتاب انقلاب اسلامی نیست. نگاه تقلیل‌گرایانه غرب نسبت به دین، سبب شده است که دین به عنوان عامل و مبنای انقلاب مورد توجه قرار نگیرد. درحالی‌که انقلاب اسلامی، جریانی است براساس مبانی دینی لذا نظریه‌ای که براساس تفکرات دینی است بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

انقلاب اسلامی و نور

انقلاب اسلامی، جریانی است دینی که نظریه‌پردازی در این حوزه بایستی بر مبنای دینی پایه‌ریزی شود و براساس نگاه هستی‌شناسی اسلامی شکل بگیرد. تعبیری درباره انقلاب اسلامی بیان شده که نسل پس از انقلاب بسیار شنیده است و به عنوان کلیدواژه‌ای ژرف و پرمعنا جای خود را در ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی باز کرده است؛ «انقلاب ما انفجار نور بود.» جدای از این بحث که این جمله از کیست، این چندکلمه حامل معنای عمیقی است که براساس آن می‌توان به نظریه‌پردازی دینی بازتاب، نزدیک شد.^۱

بنیانگذار جمهوری اسلامی در تعبیری چنین فرموده‌اند:

ملت ایران می‌دانند که انقلاب عظیم ایران که در نوع خود کم نظیر یا بی‌نظیر است از ارزش‌های بزرگی برخوردار است ... امید است که این انقلاب جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه الله ارواحنا لمقدمه الفداء منتهی شود. (صحیفه نور، ۱۵ / ۷۵)

۱. در صفحه ۱۸۱ از جلد ششم صحیفه امام جمله «انقلاب ما انفجار نور بود» به «یاسر عرفات» - رئیس سابق جنبش فتح - منتسب دانسته شده و این گونه ذکر شده است که وی در اوایل انقلاب اسلامی به ایران آمده و به محضر حضرت امام رسیده و شخص عرفات در خلال صحبت‌هایش در دیدار امام درباره انقلاب اسلامی ایران، به ایشان عرض کرده است: «آنها (دشمنان انقلاب اسلامی ایران) می‌گویند: زلزله‌ای رخ داده، ما می‌گوییم که انفجار نور روی داده است.» (صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۱۸۱)

تلفیق مفاهیم هستی‌شناختی فلسفه اسلامی با سیاست و جریانی که بر پایه مفاهیم دینی شکل یافته است، می‌تواند راه‌گشا باشد و زمینه مناسبی را برای طرح و نظریه‌پردازی در حوزه بازتاب انقلاب اسلامی فراهم آورد. «انفجار نور»، تعبیری است که با واژه «بازتاب» نزدیکی و ارتباط معنایی بسیاری دارد و هر مخاطبی با شنیدن واژه «انفجار نور» و «بازتاب» به ارتباط معنایی این دو اذعان می‌کند.

در این مقاله برآنیم تا با تبیین نور بودن - به معنای ظهور - انقلاب اسلامی، مسیر متعالی و اثرگذاری را برای ارائه نظریه بازتاب که متناسب با جریان دینی است، فراهم آوریم. منظور از نور و بازتاب، همان معنایی است که شیخ اشراق تبیین کرده است؛ یعنی «ظهور». واژه نور معنایی اعم از شعاع نوری است که مشاهده می‌شود. ظهور، یعنی امری که نیاز به تعریف و تبیین ندارد. امری است آشکار که نیازی به برهان نخواهد داشت. بازتاب انقلاب اسلامی، جریانی شبیه به این مسئله است؛ یعنی رویدادی ظاهر و آشکار است که براساس آثار این بازتاب می‌توان پی برد که بازتاب رخ داده است. ظهوری که معنوی است و سیر خود را در مکان‌ها و زمان‌ها و بسترهای مناسب، نشان می‌دهد. در نتیجه بازتاب معنایی اعم و فراتر از «صدور» خواهد داشت.

نظریه نظام نوری شیخ اشراق، در تبیین نظام هستی از مفهوم ژرف و عمیقی برخوردار است که آشنایی با آن و تطبیق بازتاب انقلاب اسلامی با آن نکات و جدآوری را برای انقلابیون به ارمغان خواهد آورد. قبل از پرداختن به مبحث بازتاب، به شرح اندکی در تبیین نظام نوری شیخ اشراق می‌پردازیم. سپس با بررسی بازتاب انقلاب اسلامی به شباهت آن با نظام نوری شیخ اشراق اذعان خواهیم کرد.

نظام نوری شیخ اشراق

یکی از مباحث مهم و بنیادین در دستگاه فلسفه اشراق، نظریه نظام نوری است. شیخ اشراق خود تصریح کرده است که اساس سخن او در تبیین کل نظام هستی در فلسفه و متافیزیک، نظریه نظام نوری است. نقطه آغاز نظریه نظام نوری، نفس انسان و هویت نوری آن است.^۱ در فلسفه اشراق، «نفس» مبدأ قرار می‌گیرد و هویت نوری نظام هستی نیز بر این اساس، سامان می‌یابد. از نظر او، تمام حقیقت هر موجود مجرد و مفارقی همچون نفس، هویت نوری آن است. وجود مجردات از نور تشکیل می‌شود و در مقابل، عالم ماده از تجرد بی‌بهره است و هویت وجودی اشیا مادی، سراسر ظلمت است. از این‌رو، شیخ اشراق کل هستی را با توجه به نحوه وجودشان در ساختار و نظام نور و ظلمت، تبیین می‌کند. (سهروردی، ۱۳۷۷: ۱۱۴ - ۱۱۲)

در نظام نوری‌ای که شیخ اشراق ترسیم می‌کند، نفس انسان در میان ماده و مجرد، به‌عنوان واسطه قرار می‌گیرد و حقیقتی متعلق به بدن و عالم ماده است که آن را تدبیر می‌کند. نفس و مافوق آن، هویت نوری دارند و مادون آنکه از حیات بی‌بهره‌اند، امری ظلمانی شمرده می‌شوند و از آن به «غرب عالم» تعبیر می‌گردد.

۱. مبدأ بودن نفس از نظر تعلیمی و اثبات است و گرنه مبدأ نظام نوری در واقع و عالم ثبوت، نور الانوار است.

از این رو در دستگاه فلسفی اشراق، گاه از عالم ماده و ظلمانی، به «میت و مرده» یاد می‌شود. (همان: ۱۹۵)
پس کل هستی در این دستگاه بر دو قسم است: ۱. حیات‌مند ۲. بی‌بهره از حیات.

چگونگی چینش و ترتیب موجودات عالم، بر حسب نظام نوری از بحث‌های مهم در فلسفه اشراق است. نورالانوار، سر سلسله نظام نوری است و در واقع نظام نوری از خداوند آغاز می‌شود، زیرا او نور محض است که از شائبه هرگونه ظلمت پیراسته است. او به حقیقت، نور صرف، نامتناهی و حقیقی یکتاست. نورالانوار حقیقتی بسیط و یگانه و نزدیک‌ترین موجود به اشیا است.

خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. داستان نورش به چراغ‌دانی می‌ماند که در آن چراغی باشد و آن چراغ در میان آبگینه‌ای و آن آبگینه گویی ستاره‌ای است درخشان ... نوری بر نور است ... (نور / ۳۵)

پس از نورالانوار به نور اقرب به‌عنوان نخستین تجلی نورالانوار می‌رسیم که شیخ از آن به «بهمن» تعبیر می‌کند. (همان: ۱۲۹) از نظر او تمایز نورالانوار و نور اقرب، در شدت و ضعف، کمال و نقص است. از نورالانوار ساطع می‌شود درحالی که درنهایت کمال است؛ به اندازه ظرفیت خود از آن نور بهره‌مند می‌گردد. به‌طور مثال هنگامی که نور خورشید به بلور برخورد می‌کند متفاوت است با زمانی که همان نور به مهره سیاه می‌تابد.

شیخ اشراق پس از نور اقرب، عقول طولی بیشماری را مطرح می‌سازد. (همو، ۱۳۵۶: ۴۶۳) اولین آن، انوار قاهره برین است که با واسطه نور اقرب، شعاعی از اشراق نورالانوار را دریافت می‌کند. همچنین از تابش نور اقرب نیز شعاعی را دریافت می‌کند. بدین ترتیب عوالم هستی، بر مبنای اشراق نور و بازتاب‌های آن شکل می‌گیرد. در چینش نظام هستی اشراقی، پس از انوار قاهره برین، مثل نوری یا همان مثل افلاطونی قرار می‌گیرد. در عرض این مثل، انوار قاهره متکافئه قرار دارد. این بحث در فلسفه اشراق جایگاه ویژه‌ای دارد. مرتبه پس از مثل نوری، عالم مثال منفصل است که از نور کمتری نسبت به مرتبه قبل از خود بهره‌مند است. شیخ اشراق، صور خیالی و صور موجود در آینه، خواب، برزخ صعودی پس از مرگ، کشف صوری اهل شهود و اطلاع بر مغیبات به‌صورت تمثیل صوری را از جمله حقایق مرتبط به عالم مثال منفصل می‌داند. (همو، ۱۳۷۷: ۲۴۳ - ۲۴۲)

مرتبه پایانی عوالم نوری، انوارمدبره و نفوس ناطقه انسانی است. نفس، جوهری است که هویتی نوری دارد و بدن را تدبیر می‌کنند. نفس نسبت به انوار دیگر جایگاه ضعیفی دارد و به لحاظ مرتبه در بین انوار مجرد، در نهایت تنزل قرار دارد. نفس نور مجردی است که با عالم بالا سنخیت دارد و واسطه تدبیر ارباب نوع انسانی است.

سپهروردی با عرضه نظام نوری، هستی را به نور و ظلمت تقسیم می‌کند و عالم ماده را به‌عنوان بخش ظلمانی هستی می‌شمارد. در حقیقت هستی را به شرق پر از نور و غرب فرورفته در ظلمت تقسیم می‌کند که انسان بایستی با دریافت موقعیت و جایگاه خود در هستی، به سمت نورالانوار حرکت کند ولی به غرب سفر کرده،

از عوالم قدسی به عالم ناسوتی هبوط کرده و در این ظلمت کده اسیر گشته است. راه نجات از ظلمت کده، ریاضت و سیر و سلوک معنوی است.

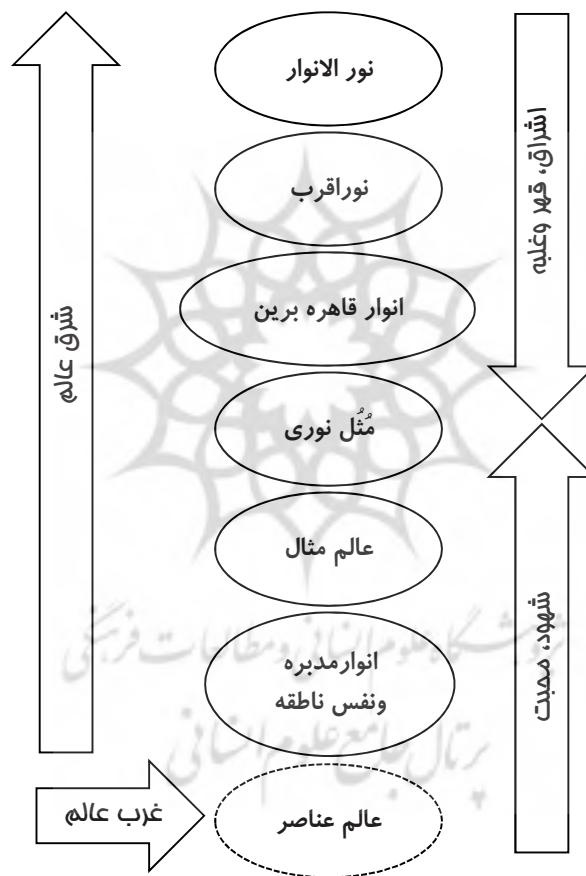
مطالعه در این مراتب نوری ما را به جمع‌بندی متناسب با آن رهنمون می‌سازد و می‌تواند در نظریه‌پردازی یاری رساند. عصاره این نگاه جایگاه ویژه‌ای را در تبیین بازتاب انقلاب اسلامی و مراتب بازتاب ارائه می‌دهد. نکته اول در این مراتب، هویت نوری عوالم مرتبط با نورالانوار است؛ یعنی همه مراتب از یک سنخیت برخوردارند.

همه عوالم نوری با واسطه یا بدون واسطه در ارتباط نزدیک باهم هستند و مراتب پایین‌تر در طول مراتب بالاتر قرار دارند.

از بازتاب انوار بالاتر، مراتب پایین‌تر ایجاد می‌شود.

یک نوع وحدت مستمر در مراتب عالم وجود دارد.

مراتب بازتاب نور در نظام اشراق



ویژگی‌های نور

نور از ویژگی‌های بی‌نظیری برخوردار است که می‌تواند در تطبیق نظریه بازتاب انقلاب اسلامی راهگشا باشد. نور به‌عنوان هویت اصلی مراتب هستی و بالطبع امور و رفتارهای نشئت گرفته از نور، در نظام اشراقی مطرح می‌شود به طوری که هر هویتی، لمعه‌ای از نور است. در ادامه به ویژگی‌هایی که در طرح مسئله به ما کمک می‌کند می‌پردازیم.

۱. وحدت انوار

نورالانوار، نور اصلی و سرچشمه همه انوار در عالم هستی است و ماسوا، همه شعاع نوری و وجودی نورالانوار به حساب می‌آیند. خداوند تمام هستی است و بقیه مراتب هستی شرر و لمعه‌ای از نور او می‌باشد. همه لمعات، از لمعات نوری خداوند است. (سهروردی، ۱۳۳۴: ۱۳۸) انوار در اصل و حقیقت خود با یکدیگر تفاوت ندارند و هویت همه آنها از یک سنخ می‌باشد.

۲. بداهت انوار

شیخ اشراق، نور را بی‌نیاز از تعریف می‌داند و در اثبات آن ضرورتی بر برهان آوردن نمی‌بیند؛ زیرا نور امری ظاهر است و ظهورش، خود دلیل و تعریف بر وجودش است. نور ظاهرترین اشیا است و نیازی به تعریف و شرح ندارد؛ بنابراین هر امری که به نور نزدیک شود، از همین امر تبعیت می‌کند و حظی از حضور خواهد داشت. زمانی که انسان نور را شهود کرد، دیگر جایی برای انکار آن نمی‌ماند و نیازی به تعریف و برهان نخواهد داشت. این مسئله ثمره بازتاب نور است، یعنی بازتاب و آثار آن نیازی به اثبات ندارد.

۳. تشکیک در انوار

مسئله مترتب بر بحث وحدت انوار، بحث تشکیک در انوار است. پس از اثبات این امر که همه مراتب هستی در نور بودن، وحدت دارند، سؤالی در اینجا مطرح می‌شود که تمایز آنها در چیست؟ چگونه مراتب هستی به وجود می‌آیند؟

در این بحث، شیخ اشراق، تشکیک در انوار را مطرح می‌سازد، یعنی وجه تمایز انوار در همان نور بودنشان است. همه مراتب هستی نوراند، اما تمایزشان در شدت و ضعف و کمال و نقص نور است. بدین ترتیب، نفس و انوار مدبره، پایین‌ترین درجه از نورانیت را دارند و به بالاتر که سیر می‌کنیم، نورانیت مراتب هستی از شدت بیشتری بهره دارد تا به نورالانوار یعنی نورانیت صرف و نامتناهی می‌رسیم. مثل نور آفتاب و شمع که در عالم ماده ظهور می‌کنند. هر دو نور هستند اما شدت نور آفتاب، آن را از نور شمع متمایز می‌کند.

۴. اشراق و شهود در انوار

از احکام نظام فلسفی اشراقی و ویژگی مترتب بر نور، بحث اشراق و شهود می‌باشد؛ یعنی در میان انوار دو حالت قهر و محبت حاکم است. انوار عالی نسبت به انوار پایین‌تر، قهر و غلبه دارند و انوار پایین نسبت به انوار عالی، محبت. هر مرتبه نوری، در صورت نبودن حجاب و مانع، مرتبه بالاتر را شهود می‌کند و بالعکس از مرتبه بالا و عالی، شهود به صورت فیضان، اشراق و صدور می‌باشد. در هر مرتبه‌ای که قابلیت پذیرش باشد و در معرض نور باشد، این اشراق در آنجا ظهور می‌کند و متجلی می‌شود. شهود انوار عالی سبب رشد و ایجاد میل به کمال می‌شود و نور مرتبه پایین، به سمت بالاتر جذب می‌شود و در مقابل، از سوی نور عالی، به سمت نور پایین، اشراق صورت می‌گیرد. اشراق امری پیوسته و دائمی است، البته دریافت آن منوط به وجود حصول شرایط و استعداد است که در صورت فراهم بودن شرایط، از فیضان نور بهره‌مندی ایجاد می‌شود. اگر آینه‌ای پشت به آفتاب باشد هرگز نمی‌تواند شعاعی از اشراقات آفتاب را در خود انعکاس دهد، ولی اگر رو به آفتاب باشد، به اندازه توانایی خود از اشراقات آسمانی کسب نور خواهد کرد.



هویت نوری انقلاب اسلامی

قبل از پرداختن به تطبیق بازتاب انقلاب اسلامی با نظریه بازتاب در نظام نوری بایستی مشخص کرد که انقلاب اسلامی چه سنخیتی با نور می‌تواند داشته باشد. با دو مؤلفه به تبیین این مسئله می‌پردازیم: ۱. معرفت نوری ۲. رفتار نوری.

در نظام فکری شیخ اشراق، نور، ظهور و شهود، جایگاه مهمی دارند. در هستی‌شناسی و حتی معرفت‌شناسی، این مسئله به چشم می‌خورد. در نظام معرفتی شیخ اشراق، شهود از ارزش ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت نفس نیز در اینجا خود را نشان می‌دهد. نفس به‌عنوان هویت نوری انسان ارتباط و سنخیت با

عوالم بالا دارد و لذا در معرفت و رفتار انسان نقش مهمی را بازی می‌کند. نفس با شهود و بر اثر اضافه اشراقیه به علم دست می‌یابد و این همان معرفت نوری است.

شیخ اشراق در بحث انسان‌شناسی اثبات می‌کند که نفس ناطقه انسانی، جوهری روحانی دارد، لذا کمال انسانی را در این می‌داند که از ماده تجرد و به مبادی تشبه یابد. زمانی که انسان نفس خود را از موانع برهاند، به سیر در عوالم نوری خواهد پرداخت. در نتیجه معرفت شهودی و نوری می‌یابد، لذا رفتار او نیز تحت تأثیر معرفت نوری، به نور نزدیک می‌شود؛ بنابراین معرفت و رفتار او متأثر از نفس ناطقه‌ای که به شهود رسیده است و به عوالم نوری رسیده، نورانی می‌شود.

خداوند آن که را بخواهد با نور خود هدایت می‌کند. (نور / ۳۵)

خداوند ولی اهل ایمان است و آنان را از ظلمات به سوی نور می‌فرستد.^۱ (بقره / ۲۵۷)

بحث در این باب بسیار گسترده و تخصصی است و خوانندگان می‌توانند به آثار تفصیلی شیخ اشراق در این مسئله رجوع کنند؛ اما آنچه در این مقاله مورد استفاده قرار می‌گیرد، آن است که جریانی که براساس معرفت و رفتار نوری حاصل می‌شود، جریانی نورانی است و بازتاب آن تأثیر خود را خواهد گذاشت. دوباره تأکید می‌شود که منظور از واژه نور، صرفاً شعاع نوری که مشاهده می‌شود نیست، بلکه معنایی فراتر است که از آن به «ظهور» تعبیر می‌شود.

دین، جریانی است که حکایت از شهود می‌کند. می‌توان گفت که معارف دینی و مفاهیم آن، صورت دنیوی معارف نوری است. اتصال نفس ناطقه انسان کامل با عالم نور، دین را به ارمغان می‌آورد و به‌عنوان هدایتگر نفوس انسانی، نور را عرضه می‌دارد. لذا جریان دینی و رویدادهای حاصل از آن و در طول آن، صبغه و وجهه نورانی به خود می‌گیرد و ظهور می‌یابد که به‌صورت ناخودآگاه، بازتاب آن در محلی که قابلیت پذیرش دارد، ظاهر می‌شود و هرچه نورانیت و اشراقات نورانی، در آن بیشتر باشد، بازتاب آن نیز بیشتر خواهد بود.

معرفت نوری ← معرفت‌شناسی در انقلاب اسلامی
رفتار نوری ← هستی‌شناسی در انقلاب اسلامی

در طول تاریخ جهان و تاریخ معاصر ایران، رویدادهای دینی بسیاری رخ داده است که هر کدام تأثیر و بازتاب خود را داشته است؛ اما رویدادی که از منبع قدرتمندتری بهره برده است و به‌عنوان مرکزیت یک جریان دینی تأثیرگذار در جهان و تاریخ معاصر مطرح شده است، انقلاب اسلامی در ایران می‌باشد. این رویداد که از معارف دینی - معارف نوری - و رفتار و سیره بزرگان دین - رفتار نوری - سرچشمه گرفته است،

۱. در این آیه اشاره می‌شود که از «ظلمات» به سوی «نور» هدایت صورت می‌گیرد. واژه ظلمات به‌صورت جمع آمده است و «نور» به صورت مفرد است و بیان می‌دارد که عالم حیات و نور، یکی است و تمایز در شدت و ضعف است. به نظر می‌رسد، این مسئله همان وحدت نوری و تشکیک در انوار است که در صفحات قبل در این باره توضیح داده شد.

از چنان ظهوری بهره‌مند است که به‌طور ناخودآگاه تأثیر و بازتاب خود را در مراتب مختلف جامعه جهانی گذاشته است و بالطبع، هر جامعه‌ای که تقرب بیشتری به این انقلاب داشته و دارد، تحت تأثیر بیشتری قرار گرفته است. در ادامه به بسط این مراتب در جامعه جهانی خواهیم پرداخت.

ویژگی‌های بازتاب نوری و بازتاب انقلاب اسلامی

مبدأ فراگیر

نور از ظرفیت و مبدأ فراگیر برخوردار است، یعنی از مبدایی بهره دارد که فراگیر است و دائماً در فیضان است. انقلاب اسلامی نیز از تفکری فطری و کامل بهره دارد که براین اساس از ظرفیت تأثیرگذاری عام و فراگیر بهره‌مند است. لذا مبدأ بازتاب که دین و آرمان دینی است، به‌عنوان مبدأ تلقی شده و محتوای دینی آن، فراگیر بودن آن را ارائه می‌دهد.

پویایی

نور پویاست. از ویژگی منحصر به فرد نور فعال بودن و پویایی است. نور دائماً در حال حرکت است و ایستایی ندارد. انقلاب اسلامی نیز دائماً در حال جذب جوامع مردمی است و لحظه‌ای این بازتاب توقف ندارد. این به معنای پویایی در این مسیر است.

عدم حصر جغرافیایی

از خصوصیات نور، پویایی و فعال بودن آن است و تا مانعی نباشد، مسیر خود را ادامه می‌دهد و در هر مکان، بازتاب می‌کند. این ویژگی باعث می‌شود تا مرز جغرافیایی، معنای اصطلاحی خود را از دست بدهد. مرزها معنای نسبی می‌یابد و نور فراتر از مرزهای ساخته بشر، حرکت می‌کند و در هر منطقه‌ای که از ظرفیت مناسب بهره دارد، بازتاب می‌نماید.

انقلاب اسلامی در ایران به‌مثابه نور است، البته نور به معنای ظهور و روشنی در ذات آن، محدود در مرز جغرافیایی نمی‌باشد و داعیه بازتاب و بالتبع، صدور انقلاب را دارد. در هر منطقه‌ای که شرایط بازتاب باشد، شرق یا غرب، در جهان تشیع؛ دوازده امامی، علوی، زیدی و ...، در جهان اسلام به‌طور کل، در جهان مستضعف، و حتی در میان جوامع غربی، انقلاب اسلامی، مسیر خود را می‌پیماید و جوامع آماده را جذب می‌کند. و این بازتاب دائمی و در جریان است.

عدم حصر زمانی

نور محصور در زمان خاصی نیست. این‌گونه نیست که نور در زمانی متوقف شود و در زمانی حرکت کند.

هنگامی که نور تایید، مسیر خود را طی می‌کند، بدون لحظه‌ای توقف. انقلاب اسلامی نیز از چنین ظرفیتی بهره دارد؛ یعنی وقتی انقلاب شکل گرفت، بازتاب آن منحصر در زمان خاصی نیست. چنین نیست که در ابتدا، بازتاب داشته باشد و با گذشت زمان این بازتاب متوقف شود.

ویژگی‌های یادشده در بالا به‌عنوان ویژگی‌های اساسی بازتاب انقلاب اسلامی است که در برخی مناطق همه این عناصر مدخلیت داشته و در برخی مناطق دیگر، بخشی از این ویژگی‌ها ملموس است. در ادامه به مراتب بازتاب با نگاه به ویژگی‌ها به تبیین نظریه می‌پردازیم.

مراتب انقلاب اسلامی

با مراتب بازتاب نور و ویژگی‌های نور در نظریه نظام شیخ اشراق آشنا شدیم. اندک تأمل در نظام نوری و مراتب هستی و مطالعه در مراتب بازتاب انقلاب اسلامی در مناطق مختلف فکری و جغرافیایی، ما را به اذعان به شباهت‌های موجود در این دو نظام وامی‌دارد. مراتب بازتاب انقلاب اسلامی و همچنین ویژگی‌های بازتاب انقلاب اسلامی، شباهت‌های زیادی به مراتب عوالم نوری و ویژگی‌های نور دارد که در ادامه به تطبیق آن دو خواهیم پرداخت.

اسلام اولین مرتبه در چینش نظام اسلامی است که بر طبق نظریه نظام نوری شیخ اشراق، نظریه‌پردازی شده است، لذا بدیهی و ضروری است که درباره دین اسلام به‌عنوان اولین مرتبه نظام اسلامی سخن بگوییم. البته در اینجا منظور ما تطبیق جزء به جزء با عوالم نوری نمی‌باشد، بلکه کلیت نظام نوری و ویژگی‌های نور موردنظر است، یعنی سیر از شدت بازتاب به سمت بازتاب ضعیف؛ یعنی در جوامع آماده پذیرش بازتاب، شدت بیشتری مشاهده می‌شود و جوامعی که تقرب فکری با انقلاب اسلامی ندارند از بازتاب کمتری بهره‌مند می‌شوند.

الف) دین اسلام

گفتیم که معارف دین، صورت دنیوی عوالم نوری بالاست که نفوس انسانی را به سمت نور رهنمون می‌سازد. ادیان مختلفی از سوی خداوند بر بشریت نازل شد که صورت کامل آن در دین اسلام متجلی شده است. اسلام آخرین دین توحیدی و به معنای تسلیم شدن است.

ای اهل ایمان! همگی داخل در مقام تسلیم شوید. (بقره / ۲۰۸)

امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه توصیف زیبایی از اسلام دارد که به نظریه ما کمک می‌کند؛

... و نور برای آنکه طلب روشنی کرد، ... اسلام روشن‌ترین راه و آشکارترین مسلک‌هاست، جاده‌هایش روشن، چراغ‌هایش درخشان ... (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶: ۱۳۹)

روشنی و آشکار بودن اسلام همان معنا و تعبیری است که در نظام نوری با واژه‌های «نور» و «ظهور» از آن یاد می‌شود؛ یعنی دین اسلام تعلق به عالم نور دارد و تمسک به آن، انسان را به عوالم نوری سیر می‌دهد.

جریان‌ات اسلامی متعددی از ابتدای بعثت پیامبر رحمت، رخ داده و آثار و نتایج متفاوتی از نظر شدت و ضعف داشته است که البته هیچ‌کدام نتوانست استمرار یابد. انقلاب اسلامی در ایران جریانی است با نگاه شیعی که تکمیل‌کننده نهضت‌های اسلامی قبل از خود می‌باشد که توانسته است به‌عنوان مرکزیت جریان دینی در دوران معاصر مطرح شود (ویژگی مبدأفراگیر) جریان دینی طبق نظام نوری، جریان حیات‌مندی است که با جریان ظلمت و بی‌بهره از حیات مبارزه می‌کند و براساس رفتار نوری و بر اثر بازتاب، جوامع اسیر در ظلمت را به سمت نور رهنمون می‌سازد (ویژگی پویایی) مرتبه بعدی در نظریه‌پردازی بازتاب، «انقلاب اسلامی» است که از مرتبه بالاتر خود، یعنی «دین اسلام» بازتاب یافته است و از اشراقات دین اسلام بهره برده است.

ب) انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی است که با به اجرا درآوردن احکام و ارزش‌های اصیل اسلامی در تمام ابعاد حکومتی، دین را در نظام حکومتی خود نهادینه کرد (ویژگی مبدأفراگیر) الهی بودن این انقلاب از ویژگی‌های اصلی و بنیادین آن است. نقش اراده الهی در پیروزی انقلاب اسلامی در ایران امری ظاهر و آشکار است. به فرموده امام خمینی، این انقلاب با تأییدات الهی پیروز شد. ایشان انقلاب را تحفه الهی و هدیه‌ای غیبی و مورد تأیید خداوند می‌دانست. جان استمپل به‌عنوان وابسته سیاسی سفارت آمریکا در ایران که در جریان انقلاب اسلامی نیز در تهران بوده است؛ می‌گوید:

از نظر تاریخی، مهم‌ترین پیامد انقلاب ممکن است اثبات ظهور مذهب به‌عنوان یک نیروی مهم سیاسی باشد. با درهم آمیختن ایدئولوژی حکومت الهی (ویژگی مبدأفراگیر) و قدرت انبوه مردم بر مبنای درست، شق دیگری از انقلاب ارائه می‌شود که مارکسیسم و دیگر نمونه‌ها را تکامل می‌بخشد. (دی استمپل، ۱۳۷۸: ۴۳۶ - ۴۳۵)

انقلاب اسلامی ایران که براساس تفکرات شیعی اسلامی به وقوع پیوسته است، ضروری و بدیهی است که در جوامع شیعی تأثیر بیشتری داشته باشد. لذا مرتبه بعدی بازتاب، جوامع شیعی است.

ج) جوامع شیعی

منظور ما از شیعه در این باب، تمام فرقه‌های زنده شیعه می‌باشد؛ چه فرقه‌ای که شباهت مذهبی با انقلاب اسلامی دارد و چه فرقه‌هایی که تقرب مذهبی دارند؛ مثل علویون در سوریه، زیدیه در یمن و... انقلاب

اسلامی، نهضت احیاءگری شیعی را که در تاریخ معاصر به وجود آمده بود و سبب شکل‌گیری هویت سیاسی شیعی بود، حمایت کرده و نقطه‌ای مرکزی برای آن به وجود آورده است. عزت نفس شیعی و قدرت شیعیان برای غلبه بر ظلم، در انقلابی متجلی شد که اسلام‌گرایان و شیعیان سکولار و نیز بسیاری از سنی‌ها را به سوی خود کشاند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و علی‌رغم دیدگاه غرب نسبت به ایران یا گروه‌های شیعی، دیگر کسی از اظهار شیعه بودن خود نگران نبود. ایران به شیعیان جرئت داد هویتشان را بیان کنند و خوب یا بد، ابزاری در اختیار آنها گذاشت که خود را معرفی کنند.

هرچند انقلاب اسلامی الگویی عملی در عصر حاضر برای جنبش‌های اسلامی عرضه داشته، اما به دلیل ایفای نقش اسلام شیعی به‌عنوان ایدئولوژی، این انقلاب بیشترین تأثیر را بر جمعیت‌های شیعی منطقه داشت. فرانسوا توال به‌طور ضمنی به این امر اشاره کرده است:

جهت‌گیری آرمان‌های انقلاب اسلامی به سمت ایجاد یک اتحادیه شیعی مسجل گردید. هدف این اتحادیه نه‌تنها ایجاد هماهنگی میان جوامع شیعی، بلکه استقرار اسلام شیعی در جهان اسلام و قصد اسلامی شدن عمومی جهان بود. (فرانسوا توال، ۱۳۸۲: ۴۴)

از این رو با توجه به غلبه بعد فرهنگی انقلاب اسلامی، ملت‌ها و جوامعی که دارای وجوه مشترک فرهنگی بیشتری با ملت ایران بودند، تأثیرپذیری مثبت بیشتری داشته است. بدین ترتیب ملت‌های مسلمان، به‌ویژه شیعیان، انقلاب را متعلق به خود می‌دانستند. (محمدی، ۱۳۹۴: ۵۶ - ۵۴) تأثیرات و بازتاب انقلاب اسلامی را بر جوامع شیعی، در قالب ۲ بخش بررسی می‌کنیم.

۱. وحدت مذهبی

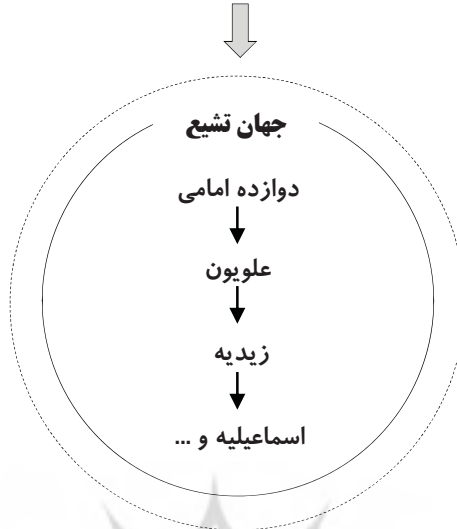
مرتب اول بازتاب انقلاب اسلامی در جوامع شیعی، به جامعه‌ای مرتبط می‌شود که از نظر مذهبی، تشابه با مذهب انقلاب اسلامی دارد. انقلاب اسلامی به‌دلیل ایفای نقش اسلام شیعی دوازده امامی به‌عنوان ایدئولوژی، بیشترین تأثیر را بر جمعیت‌های نزدیک به این مذهب داشته و در واقع بیشترین و مؤثرترین تأثیر و بازتاب انقلاب اسلامی در لبنان بوده است و بیشترین همخوانی و نزدیکی را با انقلاب اسلامی در لبنان شاهدیم. (ویژگی عدم حصر جغرافیایی)

امروز جریان دینی انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی در دور افتاده‌ترین نقاط جهان حتی قبایل صحرای آفریقا بازتاب داشته و کاشف از انگیزه‌ای است که انقلاب اسلامی ایران در قرن بیستم به ملل ستمدیده داده است. اولین گروه شیعه در نیجریه، بعد از انقلاب ایران و با عنوان «حرکت اسلامی شمال نیجریه» به وسیله شخصی به نام «ابراهیم الزاک الزاکی» که از محبوبیت نسبی در جامعه اسلامی این کشور برخوردار است، شکل گرفت. (ویژگی عدم حصر جغرافیایی و زمانی)

۲. تقرب مذهبی

مرتبه دوم در بازتاب انقلاب اسلامی در جوامع شیعی، عامل تقرب مذهبی است؛ یعنی جوامعی که نزدیکی عقیدتی با انقلاب اسلامی دارند هرچند تشابه ندارند مثل زیدیون در یمن و علویون در سوریه که به خاطر وحدت در ایدئولوژی به انقلاب گرایش یافتند. (ویژگی مبدأفراگیر)

انقلاب اسلامی در ایران



۴. جهان اسلام

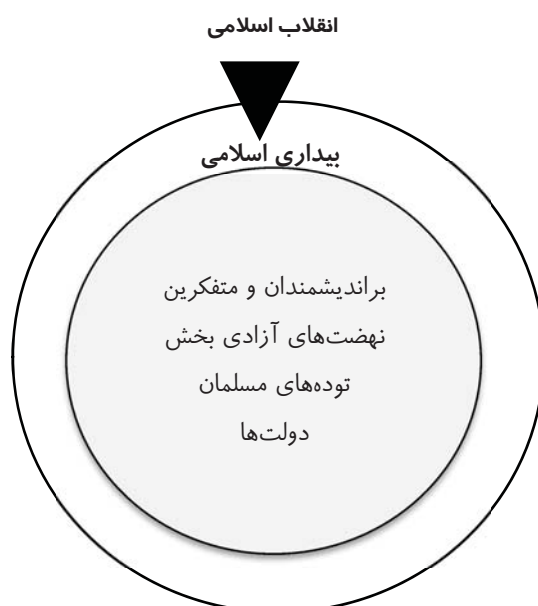
مرتبه بعدی بازتاب انقلاب اسلامی پس از جوامع شیعی، جهان اسلام هست. انقلاب اسلامی در ایران به دلیل جذابیت در شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا، سابقه و مشترکات دینی و تاریخی و شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای اثرگذار در جهان اسلام بوده است. (ویژگی مبدأفراگیر) مطرح شدن مجدد اسلام به عنوان مکتب عمل و زندگی، احیای جنبش‌ها و تشکیلات سابق اسلام‌گرایان، از جمله مهم‌ترین آثار انقلاب اسلامی در این منطقه است. (اسپوزیتو جان ال، ۱۳۸۲: ۲۴۴)

«شیخ عبدالعزیز عوده» از رهبران انتفاضه می‌گوید:

انقلاب امام خمینی مهم‌ترین و جدی‌ترین تلاش در بیدارسازی اسلامی برای اتحاد ملت‌های مسلمان بود. (حاجتی، ۱۳۸۲: ۱۴۸)

انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه آغاز خیزش بیداری اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم، شروع دوره جدیدی از ظهور اسلام با رویکرد سیاسی را برای جهان اسلام نوید داده و پیروزی برجسته‌ترین حرکت اسلامی در این دوره، سایر حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام را به تکاپو وا داشت. (ویژگی پویایی، عدم حصر جغرافیایی و زمانی)

در جهان اسلام نیز مراتب بازتاب از شدت و ضعف برخوردار است که در نمودار زیر ترسیم شده است:



۵. جوامع مستضعف غیرمسلمان

منظور از جوامع مستضعف، جوامعی است که یا غیردینی است و یا دین در آن جوامع نقش غالب را ندارد و در استضعاف فکری، اجتماعی و معنوی به‌سر می‌برند و تحت نظام سلطه قرار داشته و دارند. انقلاب اسلامی ایران برای ملل تحت ستم به‌عنوان یک الگو محسوب می‌شود الگویی که انقلاب ایران برای دولت‌ها و ملت‌های جهان سومی دارد می‌تواند زمینه‌ساز الگوی رفتاری و هنجاری جدید باشد.

انقلاب اسلامی ایران در ایجاد اعتماد و بیدارسازی ملل تحت ستم نقش مؤثری را ایفا نموده است با پیروزی انقلاب تسلیم شدن در برابر رفتارهای ظالمانه در چارچوب تقدیر و قضای الهی مورد سؤال واقع شد و حرکتی جدید جهت بازگشت به اسلام اصیل آغاز گشت. (ستوده، ۱۳۸۰: ۱۶)

مسئله دیگری که در رابطه با حمایت انقلاب اسلامی و امام خمینی از ملل تحت ستم و محروم وجود دارد این است که مستضعفین محدود به مسلمانان و ملت‌های جهان سوم نمی‌باشند بلکه همه توده‌های تحت ستم و تحت سلطه استکبار در اکناف عالم، حتی آنهایی که تحت حاکمیت دولت‌های مستکبر شرق و غرب می‌باشند در برمی‌گیرند. (ویژگی مبدأفراگیر و پویایی) امام خمینی در این راستا می‌فرماید:

شما باید بدانید ملت‌های جهان حتی آن ملت‌هایی که الهی نیستند. اینها همه‌شان جزو مستضعفان جهانی هستند و همیشه در تحت سلطه مستکبران بوده‌اند. (امام خمینی،

(۲۱۳ / ۱۵)

پیروزی انقلاب اسلامی حتی در جوامع مذهبی غیرمسلمان هم آثار خود را بر جای گذاشت. مردم آمریکا لاتین اکثراً به ایران علاقه‌مند هستند. آنان خودشان را در کنار ایران می‌بینند چون استکبار زده‌اند و از کشتارهایی که در تاریخ برای آنها اتفاق افتاده است خود را مظلوم و محروم می‌بینند و ایران را به‌عنوان حامی مظلومین و محرومین می‌دانند. مردم آمریکای لاتین، ایران را کشوری مستقل و مخالف استعمار می‌دانند به همین دلیل دوست دارند ایران را بشناسند و با ایران رابطه برقرار کنند. (ویژگی عدم حصر جغرافیایی و زمانی) اسلام در میان بومیان این کشورها با سرعت در حال رشد است و میزان گرایش مردم کشورهای آمریکای لاتین به ارزش‌هایی چون حجاب جالب توجه است. مراکز بومی اسلامی نیز در کشورهای چون کلمبیا، السالوادور، بولیوی، شیلی، اروگوئه و اکوادور و ونزوئلا راه اندازی و توسط تازه مسلمان شده‌های همان کشورها اداره می‌شود. اندیشه‌های امام و انقلاب اسلامی تأثیر بسزایی نیز از نظر استقلال و هوشیاری و وحدت، بر مردم آفریقا گذارد. انقلاب اسلامی استقلال‌طلبی و روحیه اتحاد و معنویت‌گرایی را در مردم آفریقا زنده کرد و از لحاظ عملی هم تأثیر بسزایی داشت.

۶. جوامع توسعه‌یافته صنعتی (غرب عالم)

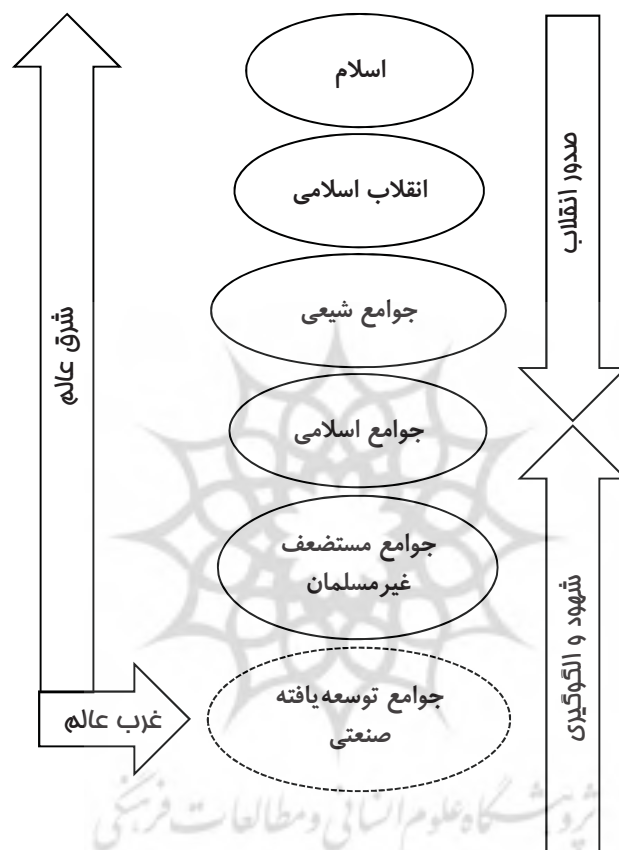
مرتب‌ه پایانی در بازتاب انقلاب اسلامی، جوامع پیشرفته یعنی غرب که جوامعی اسپر سکولاریسم و باورمند به جدایی دین از سیاست هستند. جوامعی که بنیان فکری آنان براساس تجربیات مادی است. این جوامع شباهت زیادی دارند با تعبیری که شیخ اشراق از «غرب عالم» دارد؛ یعنی جوامعی که از نور (معارف دینی) بی‌بهره‌اند و در تفکرات تجربی و عقلی صرف، مانده‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران یکی از رخداد‌های مهم سیاسی و اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم به‌شمار می‌آید که در بعد بین‌المللی نیز تأثیر بنیادینی از خود به جای گذاشته است. این انقلاب توانست ضمن طرح اسلام به‌عنوان نیروی قدرتمند در جهان مدرن، بر نظریه پایان دوره دین، مهر بطلان بزند و رهیافت‌های متفکران غربی در جدایی دین از سیاست را که به‌طور عموم تحت تأثیر تجارب غربی قرار داشت، به چالش بکشد.

برخلاف تمام غربت اسلام در اروپا، انقلاب اسلامی سبب شده که اسلام به‌عنوان یک دین، احساس قرابت و هم‌بستگی قابل توجهی بین مسلمانان این منطقه هم ایجاد کند. گرایش‌های پراکنده‌ای که امروزه در شرف ظهور و شکل‌گیری است، طلیعه‌ای امیدوارکننده از نوعی بیداری و خودآگاهی ملت‌های آنهاست. (ویژگی عدم حصر جغرافیایی و زمانی) (کاظمی، ۱۳۷۷: ۱۶۸)

انقلاب اسلامی ایران با مایه‌های اثربخش خود، به کلیه کشورها وارد شده و در هرکجا بنا به شرایط و مقتضیات، در نقطه‌ای از زمان، کشوری را به تحول و جنبش کشانده است. این مایه‌های اثربخش به‌طور طبیعی و یا ارادی و برنامه‌ریزی شده از جمله در اروپای غربی بازتاب یافته و دولت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌های دینی و سیاسی را با شدت و ضعف‌های مختلف متأثر کرده است. (ویژگی پویایی)

هرچند بازتاب انقلاب اسلامی ایران در این کشورها به اندازه «بازتاب‌های فرهنگی» محصور مانده است. بازتاب تأثیرات انقلاب اسلامی در این کشورها در سه دهه اخیر ظاهراً محسوس نیست و فرصت تجلی انقلاب اسلامی در جنبش‌های اسلام‌گرا چندان چشمگیر نبوده است؛ با وجود این، احیای هویت دینی این جوامع، بازگشت اخلاق و دین به عرصه اجتماع و سیاست، تقویت روحیه استکبارستیزی و مبارزه با سلطه‌طلبی ابرقدرت‌ها از بارزترین پیام‌های انقلاب اسلامی در اروپای غربی بوده است. تجدید حیات دینی و بازگشت معنویت به جهان معاصر، به اعتقاد بسیاری مرهون انقلاب اسلامی است. (ویژگی مبدأ فراگیر و پویایی)

مراتب بازتاب انقلاب اسلامی ایران



ویژگی‌های مراتب انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران از پتانسیل و ظرفیت مناسبی به جهت ویژگی‌هایی که داشته و دارد برخوردار است تا در عرصه جهانی تأثیرگذار بوده و در بیداری ملت‌های مستضعف و ستمدیده نقش آفرین باشد. ویژگی‌های الهی

و انسانی انقلاب اسلامی و ضدیت آن با نظام سلطه سبب شده است تا به راحتی در اعماق قلوب ملت‌ها نفوذ کرده و حرکتی الهی، جهادی و انسانی را در برابر نظام سلطه و مادی‌پرستان ایجاد کند.

الف) وحدت در تفکر (وحدت نور)

ویژگی‌های تفکری انقلاب اسلامی ایران از جمله عوامل مؤثر در بازتاب آن است که توانسته است جوامع مختلف فکری و جغرافیایی را به سمت خود سوق دهد و آن جوامع درصدد الگوگیری از انقلاب اسلامی برآیند. در ذیل به دو ویژگی مهم تفکری انقلاب اسلامی اشاره می‌گردد.

۱. دینی و فطری بودن انقلاب (ویژگی مبدأ فراگیر)

امام خمینی به‌عنوان نظریه‌پرداز و احیاگر تفکر دینی به اعتقاد و اعتراف بسیاری از اندیشمندان و شرق‌شناسان، اسلام‌شناسان و جامعه‌شناسان غربی، بزرگ‌ترین احیاگر تفکر و ارزش‌های اسلامی است که آنچه را اصلاح‌گران، تجددگرایان، متجددها و بیدارگرایان اسلامی از قرن ۱۹ میلادی تا زمان آغاز نهضت در ایران صرفاً به‌عنوان یک آرمان تبلیغ می‌کردند، امام خمینی در صحنه عمل پیاده کرد.

استاد مطهری مدعی است که انقلاب اسلامی یک انقلاب فطری است؛ زیرا ریشه در مطالبات و جهت‌گیری‌های فطری کنش‌گر مسلمان ایرانی داشته است. لذا آنچه باعث شده است تا در جوامع دیگر اثرات انقلاب اسلامی در آن متجلی شود، وحدت در تفکر است. یعنی آنان با الگوگیری از تفکرات دینی - فطری انقلاب اسلامی، سازمان می‌یابند و به دنبال اهداف بیدارگری خود حرکت می‌کنند. دین، فطری است لذا بازتاب انقلاب اسلامی را حتی در جوامع غیردینی شاهد هستیم.

۲. ضد نظام سلطه (ویژگی مبدأ فراگیر)

مبارزه با ظلم و نفی استکبار، از اصول اساسی اندیشه مبارزاتی امام خمینی بوده و همواره مورد تأکید قرار گرفته است. ظلم زدایی و مبارزه با استکبار به‌عنوان یک مسؤولیت دینی - سیاسی، جدی‌ترین آثار را در قیام ملل مستضعف علیه نظام ظالمانه حاکم بر جهان از خود به جای گذاشته است. از دیدگاه امام تنها دسته‌ای از انسان‌ها که حیات خود را در گرو سلطه مادی، اقتصادی، فرهنگی و یا سیاسی بر سایر مردم می‌دانند، در جبهه دشمن قرار می‌گیرند و مردم باید با آنها مبارزه کنند. این گروه که در ترمینولوژی امام «مستکبرین» نام دارند، در پی بهره‌کشی از اقشار محروم جامعه یعنی مستضعفین هستند. از نظر امام:

سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده نمی‌رسند. (انصاری، ۱۳۷۷: ۱۸۸)

ب) صدور و الگوگیری (اشراق و شهودانوار)

معنایی باعنوان «اشراق» در نظام نوری شیخ اشراق مطرح شد که بر این اساس پس از اینکه انوار مراتب پایین‌تر، انوار بالاتر را شهود کرد، از سوی انوار عالی «اشراق» صورت می‌گیرد و انوار پایینی از این اشراق ظرفیت بالاتری یافته و به سمت انوار بالایی سیر می‌کند. این محتوا و معنا در نظریه بازتاب انقلاب اسلامی تحت عنوان «صدور» مطرح می‌شود. صدور مفاهیم انقلاب اسلامی و ارزش‌ها و آرمان‌های آن به جوامع دیگر، مرحله و جریان پس از بازتاب است.

جوامع دیگر با «شهود و رویت» محتوا و تأثیرات انقلاب اسلامی درصدد الگوگیری برمی‌آیند (ویژگی مبدأ فراگیر) و لذا از سوی نظام انقلاب اسلامی، اشراق و صدور مفاهیم، رخ می‌دهد. (ویژگی پویایی) صدور، نتیجه بازتاب انقلاب اسلامی و اشتیاق جوامع، نسبت به الگوگیری از انقلاب اسلامی است و هرچه این شهود و شور و اشتیاق بیشتر باشد، صدور بیشتری صورت می‌گیرد. همان‌طور که در جوامعی که شباهت مذهبی با انقلاب اسلامی داشته‌اند، صدور در بالاترین شکل خود صورت گرفته است.

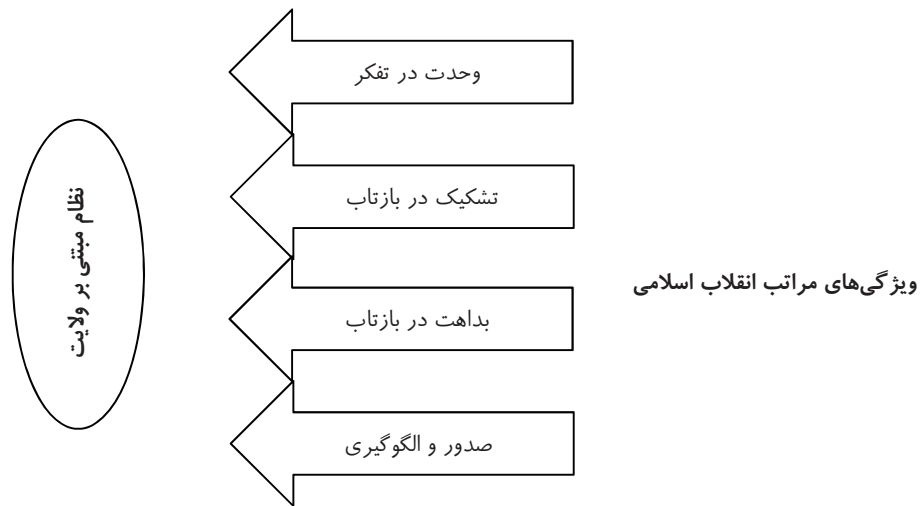
ج) بدهت در بازتاب (بدهت نور)

بازتاب، امری بدیهی است و نیازی به استدلال ندارد. آثاری که این بازتاب در جوامع دیگر داشته است، کاشف از این بازتاب است. همان‌طور که نور، امری بدیهی است و در اثبات آن نیاز به استدلال نیست، پدیده بازتاب نیز که از انقلاب اسلامی سرچشمه گرفته است، امری بدیهی است و اندک تأملی در آثار آن در جوامع دیگر، چه دینی و چه غیردینی، این مسئله را عیان می‌کند. بازتاب امری غیرارادی و تأثیرات آن نیز بدیهی است.

د) تشکیک در بازتاب (تشکیک انوار)

مسئله تشکیک در نظام نوری شیخ اشراق، در امر بازتاب نیز متجلی می‌شود. بدین صورت که بازتاب یکی است و تمایز آن در جوامع مختلف، شدت و ضعف این بازتاب است. همان‌گونه که تمایز عوالم نوری به خود نور بود و شدت و ضعف نور سبب تمایز می‌شد در این مسئله نیز کمال و نقص بازتاب، تمایزدهنده در مراتب بازتابی انقلاب اسلامی است. جوامعی که تشابه و تقرب ایدئولوژیکی با انقلاب اسلامی داشته‌اند، شدت این بازتاب، زیاد بوده است و جوامع دیگر که ظرفیت ایدئولوژیکی متفاوتی داشته است، از شدت این بازتاب کاسته شده است. (ویژگی مبدأ فراگیر، پویایی، عدم حصر جغرافیایی و زمانی)

آنچه مهم به نظر می‌رسد این نکته است که بازتاب شونده، مرتبه‌ای از مراتب انقلاب اسلامی است و به‌عنوان عناصر جدا از انقلاب محسوب نمی‌شود. همه جوامع مورد بازتاب، مرتبه‌ای از خود انقلاب اسلامی است و صرف الگوگیری محض نیست و ذات آن، همان ذات انقلاب اسلامی است.



نتیجه

در این مقاله به تطبیق نظریه بازتاب انقلاب اسلامی با نظریه نظام نوری شیخ اشراق پرداختیم. در دو بخش به تطبیق این دو مبحث پرداخته شد. در بخش اول مراتب بازتاب و در بخش بعدی به ویژگی‌های بازتاب اشاره شد. در بحث اول مراتب عالم هستی در نظام نوری مطرح شد. در سیر طولی از نورالانوار حرکت آغاز شد و پس از گذشتن از عوالم مختلف، به پایین‌ترین عالم انوار یعنی نفس ناطقه رسیدیم که از بازتاب کمتری بهره مند شده است و پایین‌ترین مرتبه عالم نوری را تشکیل می‌دهد.

در تطبیق بازتاب انقلاب اسلامی با نظام نوری، بیان شد که انقلاب اسلامی نیز براساس ظرفیت جوامع مختلف فکری و فرهنگی، در آن جوامع بازتاب داشته است. جوامع شیعی در مرتبه اول تأثیر و بازتاب انقلاب قرار داشته است. وحدت و تقرب ایدئولوژیکی از مؤلفه‌های بازتاب انقلاب در این جوامع است. در مرحله بعد، جوامع اسلامی از بازتاب انقلاب دینی ایران بهره برده است. پس از این مراتب به کشورهایی می‌رسیم که یا غیردینی است یا دین در آن نقش غالب را در عرصه‌های اجتماعی ندارد. جوامع مستضعف و جوامع پیشرفته در مرتبه‌های پایانی بازتاب انقلاب اسلامی قرار می‌گیرند.

در مبحث بعد، به ویژگی‌های مشابه بازتاب نور و بازتاب انقلاب اسلامی اشاره شد و ذکر گردید، در برخی مناطق، همه این ویژگی‌ها و در برخی دیگر، بخشی از این ویژگی‌ها ملموس است. این ویژگی‌ها شامل ۱. مبدأفراگیر ۲. پویایی ۳. عدم حصر جغرافیایی ۴. عدم حصر زمانی، می‌شود.

در بحث بعدی، به ویژگی‌های ماهیت و هویت نور و ارتباط آن با ماهیت و هویت انقلاب اسلامی پرداختیم. از ویژگی‌های مهم نور و بازتاب آن، وحدت انوار، بدهت انوار، تشکیک در انوار و اشراق و شهود در انوار بود. عیناً این ویژگی‌ها در بازتاب انقلاب اسلامی نیز مشهود است. وحدت تفکری انقلاب اسلامی با

جوامعی که تحت تأثیر انقلاب بوده‌اند از مؤلفه‌های بازتاب در این جوامع است. دینی و فطری بودن و ضد نظام سلطه بودن، انقلاب اسلامی جوامعی را که این دو مؤلفه را داشته‌اند تحت تأثیر خود قرار داده است. بازتاب انقلاب نیز همانند بازتاب نور، از شدت و ضعف برخوردار بوده است. جوامعی که ظرفیت پذیرش بیشتری از انقلاب را داشته، از بازتاب بیشتری بهره برده است.

پس از بازتاب بحث صدور انقلاب مطرح می‌شود که پس از شهود انقلاب و تأثیرات آن، جوامع مختلف درصدد الگوگیری از انقلاب برمی‌آیند و در برابر آن، نظام اسلامی نیز مفاهیم انقلابی و حمایت‌های خود را صادر می‌کند.

با اندک تأمل در این مبحث و تطبیق این دو بازتاب، به وضوح تشابه نور و انقلاب اسلامی در بازتاب آشکار می‌گردد. از برجستگی‌های این نظریه این است که براساس نظام فلسفی اسلامی بنیان گذاشته شده است و تطبیق جامعی با جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی دارد.

مبحث دیگری که در ویژگی‌های نور و بازتاب آن قابل تأمل و بررسی است و قابلیت نظریه‌پردازی را در عرصه دیگری از نظام اسلامی دارد، نتیجه بازتاب و انعکاس انوار است که به تعبیر شیخ اشراق «نظام مبتنی بر عشق» حاصل می‌آید. تطبیق آن در نظریه پیش رو، یعنی در بازتاب انقلاب اسلامی، بدین معناست که از بازتاب آن و انعکاسات جوامع اسلامی، نظام مبتنی بر ولایت حاصل می‌آید که ان‌شاء الله در مقاله‌ای دیگر به نظام‌سازی این بحث خواهیم پرداخت.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ۱۳۸۶، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، رضی، سید شریف، ۱۳۸۶، ترجمه عبدالحمید آیتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۳۵، لسان العرب، بیروت، بی‌نا.
۴. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله و کامران طارمی، نقش گروه‌های معارض در روابط ایران و عراق، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. احمدی، سید عباس، مرداد ۱۳۸۶، «جغرافیای شیعه، نگاهی به پراکنش جغرافیایی شیعیان»، تهران، نشریه جام هفته، سال نهم، شماره ۳۸۲.
۶. اسپوزیتو، جان ال، ۱۳۸۲، انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۷. استمپل، جان دی، ۱۳۷۸، درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

۸. اسداللهی، مسعود، ۱۳۷۹، *از مقاومت تا پیروزی*، تهران، ذکر.
۹. امام خمینی، سید روح‌الله، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۱۰. انصاری، حمید، ۱۳۷۷، *انقلاب اسلامی، گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. بشاری، محمد، ۱۳۸۵، «اقلیت‌های اسلامی در غرب، چالش‌ها و چشم‌اندازها»، *مجله اندیشه تقریب*، سال ۳، شماره ۱۳.
۱۲. بی‌نا، ۱۳۸۰، «مسلمان بودن و اروپایی بودن»، *گزارش هفته نامه تایمز، ماهنامه سروش جوان*.
۱۳. جنبش حزب الله لبنان، ۴ اکتبر ۱۹۹۵م، *گذشته و حال*، به نقل از ضمیمه روزنامه النهار.
۱۴. بنیاد آثار شهید چمران، ۱۳۶۲، *مصطفی چمران*، لبنان، انتشارات بنیاد شهید چمران.
۱۵. حاجتی، میراحمدرضا، ۱۳۸۲، *عصر امام خمینی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. حشمت‌زاده، محمدباقر، ۱۳۸۸، *تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۷. سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۴، *انقلاب اسلامی ایران در چشم‌انداز دیگران*، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۸. ستوده، محمد، زمستان ۱۳۸۰، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی و ساختار نظام بین‌الملل»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۱۶.
۱۹. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، ۱۳۳۴، *منطق التلویحات*، تصحیح علی‌اکبر فیاض، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. _____، ۱۳۵۶، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، ج ۱، تصحیح هانری کربن، تهران، انستیتو ایران‌شناسی فرانسه در ایران.
۲۱. _____، ۱۳۷۷، *حکمت الاشراق*، تهران، دانشگاه تهران، انتشارات مؤسسه انتشارات و چاپ.
۲۲. عارفی، محمداکرم، ۱۳۸۲، *جنبش اسلامی پاکستان: عوامل ناکامی در ایجاد نظام اسلامی*، قم، بوستان کتاب.
۲۳. فرانسوا، توال، ۱۳۸۲، *ژئوپلتیک شیعه*، ترجمه کتایون باصر، تهران، بی‌نا.
۲۴. فورد، پیتر، ۱۳۸۴، «زنان اروپایی و گرایش به اسلام»، *ماهنامه سیاحت غرب*، شماره ۳۲.

۲۵. فولر، گراهام، ۱۳۷۶، «اسلام سیاسی و غرب»، ماهنامه اسلام و غرب، شماره ۶ - ۵.
۲۶. کاظمی، سید علی اصغر، ۱۳۷۷، بحران جامعه مدرن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۷. کدیور، جمیله، ۱۳۷۷، رویارویی، انقلاب اسلامی و آمریکا، تهران، انتشارات اطلاعات، چ ۱.
۲۸. محمدی، منوچهر، ۱۳۹۴، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.
30. Keddie, nikki, 1980, oil, economic policy and social conflict; race and class, London, macmillan.
31. [http: www.magiran.com/npview.asp?ID=1974793](http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1974793).





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی